

ناصر مکارم



خداوند بهمه چیز داناست

کسیکه همه جا حاضر است همه چیز را میداند

بحث مادر پیرامون علم بی پایان خدا بود .
باز یاد آوری این مطلب را در این بحث لازم میدانیم که ما و سایر موجودات این جهان ،
با آفریدگار ، این دستگاه یکه فرق اساسی داریم : ما از هر نظر « محدودیم » و او از
هر نظر « بی نهایت » !

هستی ما ؛ علم ما ، قدرت ما ؛ زندگی و عمر ما ، خلاصه جسم و جان ما محدود است ؛
اما هستی او ، علم و قدرت او ؛ حیات و بقاء او ، همه نامحدود میباشد .

همین يك فرق که میتوان آنرا در ضمن عبارت کوتاهی بیان کرد چنان فاصله ای میان
هستی ما و هستی او ایجاد میکند که هر گونه قدر مشترکی را از میان بر میدارد .

کراراً گفته ایم همین تفاوت است که بحث «صفات خدا» را برای ما بصورت پیچیده و
در عین حال جالبی در آورده .

ما در این بحث با حقیقت بزرگی روبرو هستیم که هیچگونه شباهتی با ما ندارد بنا بر -
این جای تعجب نیست که طرز این بحث با تمام بحثهای علمی (اعم از علوم طبیعی و غیر طبیعی)
فرق داشته باشد .

مقیاسها و لغاتی که در این بحث بکار میرود با مقیاسها و لغاتی که در سایر علوم بکار
میرود بکلی فرق دارد ؛ و البته برای ما که عادت بان لغات و مقیاسها کرده ایم کنار گذاشتن آنها
کار آسانی نیست ؛ مهارت و هوش و ذوق کافی لازم است .

در هر حال در اینجا همواره سخن از نامحدود ، بی پایان ، و نامتناهی است .

چرا خداوند همه چیز را میداند؟

وقتی میگوئیم خداوند همه چیز را میداند ، یعنی از کلیه حوادثیکه در دوردست ترین نقاط آسمانها ؛ در دل کهکشانها و سحابیها میگذرد ؛ کراتی که در حال تکوین و پیدایشند ؛ کراتیکه افسرده و مرده اند با خبر است

حوادثی که در میلیونها و میلیاردها سال پیش در این جهان پهناور رخ داده ؛ و در تاریکی و حشتناک زمان گذشته فرورفته میداند .

از حوادثی که در میلیاردها سال بعد رخ میدهد و در پشت پرده های ضخیم اعصار و قرون آینده از نظر ما پنهان است . با خبر میباشد .

اگر در خط سیر الکترونیکی از اتمهای بی شمار این جهان در دو رافقاده ترین کرات آسمانی کمترین تغییری پیدا شود در پیش علم او روشن است .

واگردانه شنی در یکی از بیابانهای سخت و سوزان بر اثر وزش نسیم سرسوزنی جا بجا شود می بیند .

اگر بربک کوچکی در دل جنگل تاریک و وحشتناکی از شاخه جدا شود و آرام بروی زمین سقوط کند می داند .

مسیر ماهیان در اعماق دریاها ، جنبش حشرات در زیر صخره های کوهها ؛ حرکات جنبندگان در دل غارها ، طپیدن قلبها در میان سینه ها ، سرعت سیر خون در رگهای موئین بدنهای ما ، همه و همه پیش او چون آفتاب روشن است

چرا روشن نباشد؟

مگر نه او همه جا حاضر است ، و هیچ نقطه ای از زمین و آسمان پهناور از او خالی نیست؟ مگر او یک وجود بی پایان که همه چیز احاطه دارد نیست؟ کسیکه در هر زمان و در همه جا حاضر است چگونه ممکن است از چیزی بی خبر بماند؟

اگر بعضی از کرات آسمان بمادور و بعضی دیگر بماترک است باین جهت است که وجود ما یک وجود محدود میباشد ما اگر روی کره زمین باشیم مسلماً در کره «مریخ» نیستیم ، و اگر روزی با سفر به کره مریخ راه بندیم ؛ و باریک سفینه مجهز فضا پیمای برای یک دیدار دوستانه ؛ از ساکنان «متمدن» مریخ بسوی این کره پرواز کنیم ؛ و پس از ما آنها بآنجا وارد شویم ، در آن روز کره زمین برای ما یک کره دور افتاده خواهد بود .

چرا ؟ برای اینکه ما باید در یکی از این دو کره باشیم .

ولی اگر ما در آن واحد نمیتوانستیم هم اینجا و هم آنجا باشیم دور و نزدیک (در این مورد) برای ما مفهومی نداشت، و از اسرار کره مریخ‌ها منظور باخبر بودیم که از اسرار کره زمین. بنا بر این هنگامیکه باین حقیقت توجه کنیم که خداوند همه جا هست و در هیچ زمان هیچ نقطه‌ای از این جهان پهناور از وجود او خالی نبوده و نیست حتی ما از خود ما نیز یک تراس (البته نه باین معنی که احتیاج بزمان و مکان دارد؛ بلکه باین معنی که هستی او مافوق زمان و مکان است) در این صورت خواهیم دانست که دور افتاده ترین ککشانها با نزدیکترین کرات آسمانی برای او یکسان میباشد و کوچکترین تفاوتی در بین نیست. اودر طول اعصار و قرون با همه موجودات بوده و خواهد بود و میلیاردها سال گذشته و آینده برای او هیچ فرقی نخواهد داشت.

خلاصه کسیکه همیشه بوده و خواهد بود و هیچ مکانی نیست که در آنجا حاضر نباشد از همه اسرار این جهان در تمام اعصار باخبر بوده و خواهد بود، و این یک حقیقت روشن است. این دومین دلیل بر علم بی پایان خداست؛ دلیل اول نیز در شماره هشتم همین مجله تشریح گردید. در دلیل اول این مسأله را از راه آفرینش و خلقت تعقیب نمودیم و اثبات کردیم کسیکه آفریننده یک دستگاه منظم است ممکن نیست از کوچکترین ریزه کارهای آن بی خبر باشد؛ خلاصه: آفرینش هر چیز دلیل بر علم او بهر چیز است.

ولی در این دلیل دوم مسأله را از طریق حضور خداوند در همه جا و در هر زمان و احاطه وجود او بهر چیز دنبال کردیم؛ و نتیجه گرفتیم: حضور او در هر زمان و مکان دلیل بر علم او به همه چیز است.

* * *

منطق قرآن مجید

در کتاب بزرگ آسمانی ما که معارف دینی بصورت بسیار روشن در عبارات کوتاه و جامع و مستدلی بیان شده است؛ باین هر دو دلیل عقلی اشاره شده و علم بی پایان خداوند نسبت به همه چیز از این دو طریق اثبات گردیده است.

قرآن در این قسمت مانند سایر بحثها شاهکار عجب خود را از نظر سهولت بیان توأم با جامعیت و عمق معنی نشان داده است، بمنوان نمونه دو آیه زیر را که هر کدام اشاره بیکی از دو دلیل گذشته است از نظر خوانندگان گرامی میگذرانیم:

۱ - الا يعلم من خلق وهو اللطیف الخیر: «آیا آنکه آفریننده جهانست از اسرار

مخلوقات خود باخیر نیست ، با اینکه از تمام دقائق آن آگاهست ؟ ،
این آیه اشاره بدلیل اول است .

۲ - و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب الیه

من جبل الوريد :

ما انسان را آفریدیم و اسرار و وسوسه های درون دل او را میدانیم (چراندانیم با اینکه)

ما با او از خود او نزدیکتریم !

پیشوای بزرگ اسلام علی (ع) درسرخان پرارج خود میفرماید :

لم یسبق له حال حالاً فیکون اولاً قبل ان یکون آخراً ... علمه بالاموات
الماضین کعلمه بالاحیاء الباقین و علمه بما فی السموات العلی کعلمه بما فی
الارضین السفلی .

یعنی : هر گز حالات مختلفی بذات مقدس اوست نداده که اول و آخری داشته باشد
(هستی او همواره بطور یکسان است) علم او از اموات گذشته همچون اطلاع او از زندگان امروز
است ، و اطلاع او از آنچه در آسمان های بالاست همچون اطلاع و علم او از آنچه در اعماق طبقات
زمین قرار دارد میباشد .

اینها مورد عنایت مخصوص خدا هستند

امام صادق (ع) میفرماید : اربعة ینظر الله عز وجل
الیهم یوم القيامة : من اقال نادماً ؛ او اثاث لهفاناً
او اعتق نسمة ؛ او زوج احداً .

: چهار نفرند که در روز ستاخیز مورد عنایت و توجه مخصوص
خدا هستند : کسیکه معامله ای بادیگری کرده و طرف مقابل پشیمان
شده ، مطابق میل او رفتار کند (و جنس مورد نظر او را با او باز
گرداند) و کسیکه بفریاد مصیبت زده ای برسد ، و کسیکه
برده ای را آزاد کند ؛ و کسیکه وسائل ازدواج مسلمانی را فراهم
سازد .